تفکیک بین اعتبار ظن به حکم و اعتبار به ظن به مظنون

شاگرد۲: این وجه دور از ذهن است؟ اینکه اساساً سید خبر واحد را از باب ظن حجت میدانستند. خبر واحد را ظن آور میدانستند. حجیت خبر واحد از باب ظن آور بودن آن است. وقتی حجت شد ظن خاص میشود. خُب وقتی نگاه به خبر واحد نگاه ظن آوری است، حالا میگوید «اذا رایته قبل الزوال فهو للیلة المامضیة»، همان نگاه ظن آور هم در اینجا میآید. آن نگاه عمومی که به خبر واحد داریم که خبر واحد ظن به واقع میآورد، بعد هم از باب ظن آوری حجت است. همین نگاه را در اینجا آورده باشد. لذا اینکه میگوید «اذا رایته قبل الزوال فهو للیلة المامضیة» فقط ظن است. آن وقت ظن خاص هم حجت است.

استاد: شما سراغ ظن به حکم رفتید.

شاگرد۲: ظن به محتوا. یعنی اگر هر خبر واحدی را حجت میدانند، اساساً حجیت خبر واحد را روی ظن گذاشتهاند. چون محتوای خبر واحد یک امر ظنی است.

استاد: ببینید ظن به اینکه شارع رؤیت قبل از زوال را کافی میداند.

شاگرد۲: ظن به محتوا. اصولاً خبر واحد را از این باب حجت میدانند که ظن به محتوای آن پیدا میشود. همان را میخواستند در اینجا پیاده کنند. محتوا این است که «اذا رایته قبل الزوال فهو للیلة المامضیة»، این برای شب گذشته است، به این محتوا ظن پیدا میشود. در ذهنشان این بوده باشد. آن وقت بعد میگوید ظن پیدا میشود و ظن خاص هم هست.

استاد: ببینید به محتوا ظن پیدا میشود، بهخاطر حجیت. خود محتوا این است: «اذا رئی قبل الزوال نظن بانه لیلة المامضیة»؟!

شاگرد۲: نه، «اذا رایته قبل الزوال فهو للیلة المامضیة». صحبت ِظن نیست، ما ظن به محتوا پیدا میکنیم.

استاد: پس محتوا میگویی قطع پیدا میکنیم.

شاگرد۲: محتوا میگویی وقتی قبل از زوال میبینیم، برای شب گذشته است. این را قاطعانه میگویی. ولی ظن به محتوا پیدا میشود مثل بقیه اخبار آحاد. مثلاً حجیت خبر واحد از این باب است که ظن به محتوایش پیدا میشود. یعنی این امر به حمل شایع مظنون میشود. این در ذهنشان بوده باشد. نمیگویم درست است یا غلط است.

استاد: خُب پس چرا می‌گویند اگر شب سی و یکم ندیدیم، انکشاف الخطاء شده؟ این ظنی که شما می‌گویید حجت است، در آن انکشاف خطا معنا ندارد.

شاگرد۲: این ایرادی ندارد که ما ظن پیدا کنیم و بعد هم کشف خطا شود. مثل بقیه موارد.

استاد: کشف خطا می‌شود در ظن ما به محتوا، نه در ظن به اینکه ما ظن پیدا کردیم دیشب هلال داشتیم.

شاگرد: یعنی جلوی امام معصوم که دیگر ظن نیست و یقین هست، اصلاً کشف خطا معنا ندارد.

استاد: بله، اصلاً کشف خطا معنا ندارد. چون شما به محتوا می‌زنید. کما اینکه در عبارتی که خواندیم فرمودند: «غایته حصول الظن بذلک[d1] »، حصول الظن یعنی حصول الظن به محتوا؟ یا حصول ظن به اینکه حالا که قبل از زوال دیدیم، دیشب هم داشتیم. چون قبلش می‌گویند «ان قلت طریق ثبوت الشرع منحصراً فی العلم بدخوله او الظن المعتبر شرعا[d2] ». این ظن یعنی ظن به محتوا؟ یا ظن به رؤیت هلال؟

شاگرد۲: ظن به وجود هلال. محتوا همان وجود هلال است که شما به آن ظن پیدا می‌کنید.

استاد: محتوا که وجود هلال نیست.

شاگرد۲: «اذا رایته قبل الزوال فهو للیلة المضیة»، قبل از زوال که می‌بینی در شب گذشته بوده. این در ذهنشان بوده باشد. آدم به مضمون خبر واحد ظن پیدا می‌کند. مضمونش این است که اگر قبل از زوال دیدی، شب گذشته بوده. به همین ظن پیدا می‌کنید. یعنی از این باب سراغ ظن رفته باشد.

شاگرد: مبنای مشهور این است که اگر ظن به خلاف خبر واحد داشته باشید حجت است. چون مراد آنها ظن نوعی است. فرمایش شما متوقف بر این است که ظن را فعلی بگیرید ولی آقایان می‌گویند خبر واحد حجت است حتی اگر شخص شما به محتوای آن ظن پیدا نکند.

شاگرد۲: این حرف من نیست. من می‌گویم شاید در ذهن ایشان اینطور بوده باشد.

استاد: این فرمایش شما را در صفحه یازده داشتند. شروعش از صفحه یازده است و در صفحه دوازده آمده «بل لورود الروایات بکونها علامة لدخول الشهر[d3] ». باز هم روی فرمایش شما تأمل می‌کنم. ببینم برای فرمایش شما شاهدی در عبارات سید پیدا می‌شود یا نه.

شاگرد: پاسخ بیان ایشان به این صورت می‌شود که اگر شخصی در مقابل امام بود، دیگر ظن نبود و یقین بود. دراینصورت اگر خطا می‌شد خطای امام می‌شد.

استاد: ایشان می‌گویند شما خودتان را جای حمام بگذارید. آلآن امام می‌فرمایند «اذا رئی قبل الزوال فهو للیلة المضیة»، در اینجا هم ظن به محتوا پیدا می‌کنید؟! خُب در اینجا کشف خلاف معنا دارد یا ندارد؟!

شاگرد۲: ما می‌خواهیم ببینیم ذهنیت مرحوم سید چه بوده. نمی‌خواهیم بگوییم این ذهنیت درست است یا نه.

شاگرد: امکان ندارد که سید چنین ذهنیتی داشته باشند. اگر سید به جای حماد مقابل امام علیه‌السلام باشد، در اینجا دیگر ظن مورد نظر شما نیست. چون یقینی است. وقتی یقینی باشد دیگر سید نمی‌گوید کشف خطا ممکن هست. چون دراین‌صورت خطای امام می‌شود. اگر سید این ذهنیت را داشته باشد باید خطا را به امام نسبت بدهد.

استاد: یعنی سید رؤیت را موجب ظن به هلال می‌گیرند، نه روایت خبر واحدی که حجیت است و موجب ظن به محتوای آن باشد. لذا ایشان با روش حذفی؛ با حذف سند و با حذف آن ظنی که شما از طریق حجیت خبر واحد به اینجا می‌رسید، می‌گویند حالا بگویید سید چه می‌گویند. دیگر بیانی ندارند. لذا عرض کردم مقصود سید از این ظن این‌طور نیست.

شاگرد۳: اینکه روایت عبدی حکومت می‌کند را متوجه شدم. اما چگونه «للیلة المامضیه» را شرح می‌دهد؟

استاد: ما از عرف متشرعه می‌دانیم که «اللیل سابق علی النهار»، اول شب اول ماه است و بعد روز اول ماه است. نه اینکه اول روز است و بعد شب باشد. چون این را می‌دانیم روایت عبدی می‌گوید وقتی قبل از زوال دیدی، من شارع می‌گویم امروز روز اول شوال است. خُب روایت حماد چه می‌گوید؟ این روایت روایت حماد را شرح می‌کند. می‌گوید آن جایی که گفتیم «للیلة المامضیه»، یعنی حالا که قبل از زوال دیدی بدانی نزد من ِشارع هم دیشب شب اول ماه بوده. چون از مرام من ِشارع می‌دانی «اللیل سابق علی النهار».

شاگرد: این غیر از آن تعبد است؟

استاد: حکومت، تعبد است. لذا عرض کردم اگر روایت عبدی شارح شد، لسان روایت حماد حکومت می‌شود. «للیلة المامضیه حکومتا». کاری ندارم گمان داری یا نداری. حتی قطع هم داری که ساعت ده شب تازه هلال از تحت‌الشعاع خارج شده. قطع داشته باشی‌م اما «للیلة المامضیة». من گفتم حالا که دیدی این برای شب قبل است.

شاگرد: در ظن خاص که می‌خواهیم «للیلة المامضیه» را بگوییم، درست است که فی الجمله طریقیت دارد، اما همانطور که فرمودید این حکمتش است. آنکه می‌گویی «للیلة المامضیه» خودش یک نحو تعبد دارد. لذا خیلی اختلاف ماهوی با تعبیری که از حماد داشتیم پیدا نمی‌کند.

استاد: در آن جا اگر لسان ظن و اماره باشد، هیچ دلیل اماره ای با قطع به خلاف برای اماره حجیت نمی‌آورد. یعنی اگر شما بگویید: به دو شاهد عادل عمل کن؛ حجلتنه حجة و ... . می‌گویید: من قاطع هستم که دارد دروغ می‌گوید. می‌گویید: دلیل که می‌گوید عمل کن! این‌طور نیست. دلیل نمی‌گوید شما با قطع به کذب او عمل کن. در اینجا هم اگر گفتیم حکمت «للیلة المامضیة» ظن است، اگر قطع داری که در اینجا هلال نیست، باز هم می‌گویی اماره است و طریق است؟! این چه طریقی است؟!

شاگرد۲: می‌توان به این صورت گفت که در مبانی سید ماه، ماه واقعی است و عرف کشف می‌کند، ولی در مبانی مخالف ماه، ماه جعلی است که شارع آن را جعل می‌کند؟

استاد: بله، به حکومت و ... .

شاگرد: چرا در کلام سید احتمالش را صفر می‌دانید که مقصود سید همین ظن خاص باشد؟ مثل امارات دیگر. زمانی‌که قطع به خلافش پیدا کنید، حجت نیست.

استاد: در همان تعلیقه ای که در نسخ خطی بود، فرمودند: «مع انّ عدم افادة الرویة لایوجب الحمل علی المظنة و الظهور فی کلامه علیه‌السلام[d4] »؛ نمی‌توانید بگویید منظور امام علیه‌السلام این است. بعد فرمودند «الا مع الظهور التخلف بین الامرین[d5] »؛ یعنی قبل از زوال دیدی اما دیشب هم قطعاً نبوده. «مع الظهور التخلف بین الامرین»؛ یعنی امر رؤیت قبل از زوال و کون الهلال فی الافق فی اللیلة الماضیه، «فهو غیر واضح فتامل[d6] ».

شاگرد۲: صفحه دوازده صریح در تعبد نیست؟ «لأنّ التعویل فی الصوم و الإفطار علی الرؤیة قبل الزوال لیس من حیث إفادته الظنّ، بل لورود الروایات بکونها علامة لدخول الشهر و إن أفادت الظنّ. فالاعتماد فی الصوم و الإفطار علی ما یفید الظنّ للإذن من الشارع فی التعویل علیه[d7] ».

استاد: در صفحه دوازدهم به این صورت بود. همان جا هم یک عرضی داشتم که اصلاً ایشان از بحث خارج شدند. فرمودند «لیس من حیث إفادته الظنّ، بل لورود الروایات بکونها علامة لدخول الشهر و إن أفادت الظنّ[d8] ».

شاگرد: «و ان افادت الظن» وصلیه نیست. شرطیه است «و ان افادت الظن فالاعتماد فی الصوم...».

استاد: منظور از «افادت» روایات است. «و ان افادت الروایات الظن». نه «ان افادت الرویة الظن».

شاگرد۲: قرینه بر چه چیزی می‌فرمایید؟

استاد: ایشان می‌فرمایند سید می‌گویند «لیس من حیث افادته الظن». آن هم مانعی ندارد ولی با مبنای ایشان منافاتی ندارد.

شاگرد۱: خلاف مبنای اصحاب بودنش روشن نبود. اصحاب فرموده‌اند اگر در غروب رؤیت شود، فردا اول ماه است. اما اصحاب صریحاً این را نفی کرده‌اند که اگر قبل از زوال ببینید فایده‌ای ندارد؟

استاد: بله، حال من وجه سومی هم در ذهنم هست. این شارح است یا آن شارح است؟ یا وجه سومی هست؟ بحمد الله مبادی آن هم خدمت شما بحث شده. نمی‌دانم این مدتی که خدمت شما بحث شد، چند بحث مطرح شده. بعضی از آن‌ها هم نیمه کاره مانده. اگر حاضر الذهن هستید بفرمایید. بحث‌های فقهی، اصولی، لغوی، رجالی و سندی، تقویمی. این‌که ببینیم چند بحث مطرح شده، خوب است. مثلاً ببینیم در فقه ده بحث بود و ببینیم کدام یک از آن‌ها نیمه کاره مانده است. اگر بدانیم خوب است. اما الآن در این‌که به چه صورت جمع کنیم وجه سومی هست یا نیست؟ حتماً باید این دو نسبت به هم شارح باشند؟ یا وجه سومی هم هست؟

شاگرد: در شارح بودن دو وجه فرمودید؛ یک وجه مرتکزی است که صاحب جواهر فرمودند که رؤیت باید لیلی باشد. در آن طرف فرمودید مرتکز نزد متشرعه این است که شب قبل از روز است. الآن ما دو اطلاعات دایرة المعارفی داریم که قرینه شده‌اند تا یکی شارح دیگری باشد. در اینجا کدام قرینه را باید بگیریم؟

استاد: این دو قرینه همگرائی دارند. در قرینیت همگرائی دارند. آن می‌گوید که رؤیت لیلیه است. یعنی در وقت غروب باید هلال از تحت‌الشعاع خارج شده باشد. این یکی می‌گوید شب بر روز مقدم است. یعنی وقت غروب وقتی هلال دارید پس چرا در شب هنوز ماه داخل نشده باشد؟ می‌بینید در

محتوا کامل ًهمگرا هستند. اینطور نیستند که بین آنها تنافی باشد.

شاگرد۲: در صفحه دوازده منظور شما این بود که اگر چه میگوید از حیث ظن نیست ولی میخواهد بگوید ظن مطلق نیست. یعنی صرف ظن دلیل نیست. ظن معتبر از جانب شارع معتبر است.

استاد: بله، از باب ظن خاص است.

شاگرد: منافاتی هم ندارد که اگر یقین بر خلافش پیدا کردیم حجت نباشد.

استاد: سید این را هم میخواهد بگوید؟

شاگرد: میخواهم همین را بگویم؛ اگر اینطور بگوییم تفاوت ماهویی که شما گذاشتید وجود ندارد و تنها لسانش فرق کرده. چون در هر دو وجه، مثل خبر واحد، ظن حکمتش است که دارد حجت میشود. مگر اینکه تا زمانیکه قطع به خلافش پیدا نشده باشد حجت باشد ولو ظن فعلی نسبت به آن نداشته باشیم.

استاد: سنگین بودن این بحث به این خاطر است که ما یک ظن داریم، ظن به محتوا است. یک ظنی داریم که در خود محتوا است. مظنون ها دو تا است. اینجا است که باید تعیین کنیم سید که ظن میگویند منظورشان ظن به محتوا است که آن هم یک جور ظن خاص است، یا نه، منظورشان آن ظنی است که در مانحن فیه در خود محتوا است.

شاگرد: یعنی از رؤیت قبل از زوال ظن پیدا میکنیم که برای شب قبل است. این ظن را شارع مقدس با روایات ظنیه که اماره است، معتبر قرار داده است.

استاد: و شارع مقدس ظن ما به این روایات را هم معتبر کرده. دو تا اعتبار میشود. یکی ظن ما به این حکم را معتبر قرار میدهد و یکی ظن ما به اینکه هلال برای شب گذشته است را معتبر قرار داده. چون اینها دو تا است، با هم مخلوط میشود.

شاگرد: ظن ما به هلال به نحو شخصی است یا نوعی است؟ ولو در یک جایی ظن پیدا نشود. یعنی شرائط طوری باشد که اماریتش ظن پیدا نکند. آن را هم شاملش میشود؟

استاد: اگر حکمت باشد نه.

والحمد لله رب العالمین

[d1]??? ???
[d2]??? ???
[d3]??? ???
[d4]??? ???
[d5]??? ???
[d6]??? ???
[d7]??? ???
[d8]??? ???

بازبینی #3
ایجاد شده 23 نوامبر 2025 13:50:29 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 فوریه 2026 12:05:26 توسط ... .